

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س.رها
۲۴ جون ۲۰۱۳

"صدر" خواندن رفیق اکرم یاری از جانب مزدوران

خلق و پرچم از کجا آب می خورد؟

می خواران دلال خانه های هالندی زمانی که کاملاً از نشئه می ناب به "شورش" آمده و سیخ چیکن کباب در پیش چشم شان، آهن "پولاد" جلوه می کند آنوقت است که به چرندگویی و پرت و پلا گفتن های خود شروع نموده، چندی را آن طرف به تاریخ حواله می کنند و چندی دیگر را به عوض آنها به "صدر" می نشانند.

این مزدوران ایده آلیست که هیچ وقت به خود این زحمت را نداده تا شمه ای از دیالکتیک ماتریالیستی، تئوری انقلاب و پروسه تضاد را حتا از سر خصوصیت هم که شده مطالعه کنند (همان قسمیکه بادران رویزیونیستی شان با سرپوش گذاشتن بر تئوری طبقات و وجودی جنبه های متضاد در یک پدیده خیانت های بی نظیری را به کمونیسم کردند) و بدون درک و در نظر داشت ماتریالیسم تاریخی بی شرمانه خود را کمونیسم خوانده و از این راه می خواهد از خود شان یک قهرمان بتراشند.

آیا این منطقی است که مارکس، انگلس و لنین را باید به تاریخ حواله کرد؟، آیا این درست است که هرکسی را بدون در نظر داشت اندیشه و تناسب پراتیکش صدر خوانده و چندی بعد آن را نیز به "ایسم" تبدیل کرده و خود را به جای آن صدر نشین کرد؟

به زعم کسانی که لوکوموتیو زندگی شان شراب هالندی و چیکن کباب باشد، بلی اما این که ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی (که یگانه جهان بینی درستی است که فقط کمونیست های راستین توانائی تبدیل کردنی آن را به ایمان خود دارند) و حقیقت های تاریخی مبین چه چیزی است این دیگه به مزدوران خفته در لوح محفوظ ساخت هالند مربوط نمی شود چون آنها سیاست و جهان بینی شان را از طریق شکم شان استنباط می کنند و درهمنائی با هر صدای "غر و پر"ی که از بدن شان خارج می شود به رمل اسطرلاب می پردازند تا اندیشه شان را از درون آن صدا بیرون کنند و همین است که با پرداختن به تبلیغ و ترویج آن اندیشه، بوی گندی ساحه را فرامی گیرد که به گفته خود شان فقط با انداختن صاحبان آن اندیشه به "قعر پنجاه متری زمین" امکان محو آن بوی گند موجود است.

درست همان قسمی که بادران پیشین شان در افغانستان بعد از سال ۱۳۵۷ به تبلیغ "راه رشد سرمایه داری دولتی" پرداختند برای اینان نیز دیگر کتاب "سرمایه" (پایه ریزی اقتصاد سیاسی مارکسیسم)، مانیفیست حزب کمونیست، فلسفه مارکسیسم (ماتریالیسم دیالکتیک)، کتاب "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، کتاب "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری"، کتاب "ماتریالیسم و امپریوکریتی سیسم" و... آثار فنانا پذیر و جوادان کلاسیکران مارکسیسم،

حیثیت قصه "پری وکوه قاف" را داشته وکهنه شده است که باید به تاریخ حواله کرد و به دنبال آن به تکرار مکرر ترهات تنوریس های بورژوازی پرداخت که "مرگ کمونیسم آمده" و "امپریالیسم حالا یک مقوله بی مفهوم است که مربوط چند قرن پیش" می شد.

اما سیر تاریخ بدبختانه همیشه خلاف آرزو های این بیچارگان رویونیستی (که در اینجا بیشتر رویونیسم خلق و پرچم مد نظر است) پیش می رود و بیش از همه صحت و سقم گفته های پیشوایان کمونیسم را ثابت می سازد که "دشمنان کمونیسم همواره تلاش دارد تا طبقات، مبارزه طبقاتی و در کل تاریخ را وارونه جلوه داده و آنها را به گذشته مربوط سازند"

بیچارگان سگ صفت که دست به هرگونه دغل بازی و تحریف تاریخ و واقعیات تاریخی می زنند تا از این طریق برای خود شان جاه و مقام قائل شوند قادر به اثبات هیچ چیزی نیستند به جز "الدنگ"ی خود شان و می بینیم که چه یک ساجق معجون شده از "گوه" امپریالیستان را می جوند: از مارکس تا لنین به تاریخ حواله شده، صدر اکرم یاری، بعداً اندیشه اکرم یاری و اکرم یاری نیسم، صدر صادق "پخپلو"، صدر پولاد (داکتر غفور "غف") و صدر پس ستیز.

اینان در پشت این دغل بازیهای خود هیچ هدفی را دنبال نمی کنند جز ظربه زدن به کمونیسم و مبارزات کمونیستی، این دغل بازان بی شرف بدون کوچکترین آگاهی از مبارزات رفیق اکرم یاری شهید زیر نام حمایت از او بدترین توهین ها را به او روا می دارند. این یک چیزی عیان است که رفیق اکرم یاری برای بار اول توسط برادرش صادق یاری به این راه رهنمائی شد و این هم در دورانی بود که هردوی شان در قصری شاهی زندگی می کردند و در اثربوغ و تلاشی که داشتند به زودی یکی از شناخته ترین رهبران سازمان جوانان مترقی شناخته شدند اما باآنها رفیق دارای آن چنان آثاری تنوریکی نیست که بعد از آن رهروان شعله جاوید از آن مستفید گردند درحالی که مبارزات پراتیکی این رفیق را نیز همه میدانند.

"صدر اکرم یاری تمام آثارش را در یک صندوق گذاشته و درجای دفن کرده است"

این دیگه واقعاً شرم آور است که گویا "صدر" ما برای صندوق انقلاب می کرد و باز آرمان گرایانه ادامه می دهند که "رفیق اکرم یاری این آثارش را پنهان کردند که مبادا به دست جلادان خلق و پرچم بیافتند"

آقایان مگر این جرم بود که آثار گرانبهای رفیق را "جلادان خلق و پرچم" استفاده نموده و به عمق تفکر آن رفیق پی می بردند؟ و دیگر این که شما مزدورانی که خود را به پاچه رفیق اکرم یاری و شعله جاوید پیوند می دهید چطور از این امر آگاهی پیدا کردید که "رفیق اکرم یاری آثارش را در یک صندوق گذاشته و جایی دفن کرده است"؟

نکنند از طریق همان بادران تان از این امر آگاهی پیدا کردید و یا تحلیل رمل تان به شما این حرف ها را یاد داده است؟ لنین می گوید "کیشوی میز رویونیست ها به خاطر درست جلوه دادن لاطانات رویونیستی شان پر از تنوریهای مارکس بوده و هر لحظه به سر مارکس قسم می خورند تا به زور نقل قولهایش دروغ خود را، درست جلوه دهند" اما چون مارکسیسم علم است و علم را سر سازش با دروغ نیست پس این بار مجبوراً دست به داد و فریاد های بچه گانه بزنند تا خود را از دم تیغ انقلابیون و محاکمه تاریخ نجات دهند که اینهم بی فایده می باشد.

تقاله های بدبوی خلق و پرچم!

اولاً شما به کدام اساس این توهین های بس رذیلانه را به رفیق اکرم یاری می نمائید و با خز عبلات های مولوی گونه تان می خواهید از او یک شخصیت مقدس و معصوم که قادر به معجزه کردن است، بسازید؟

ماتوتسه دون همیشه می گوید "من بسیار ناراحت می شوم از این که بعضی ها درباره من اینطور فکرمی کنند که گویا من از آوان کودکی به خرافات معتقد نبودم درحالی که اینطور نبوده و من تأدیر زمانی بسیار خرافاتی بودم" ولی چون این ولگردان کوچه هرگونه پرت و پلائی که به دلی شان می گردد که آنها منشاء غذائی دارد، آن را فورموله کرده و تاپه

"مائوئیس" می زنند و آنوقت ناگزیر باید دست به "گوه خوری" زد که "اکرم یاری اصلاً پیش از آن که متولد شود یک کمونیست بود و در همین دوران قبل از تولد آثاری متعددی هم نوشته است"، آقایان همین قدر بس است چون به قول ایرانی ها "همین جنده گوئی های تان کافی بود تا دست تان کاملاً پیش انقلابیون رو شود" ومانیز از شما گله نداریم چون نخست این که شما در انجام این کار هیچ اختیارمختص به خود ندارید و این یک نقشه طرح ریزی شده از جانب امپریالیستان است و دوم ما از دشمن هیچ وقت گله و شکایت نداریم فقط درمقابل هر جنایت و خیانت شان به موقع مشت آهنین به دهن شان خواهیم کوبید و این آمدنی است و هیچ خاینی را از این سرنوشت گریز و گزیری نیست.

دوم: این که اکرم یاری "صدر" جنبش انقلابی کشور می باشد یا یک عضوی ساده بود این به غلام بچه های خلق و پرچم چه ربط دارد؟ (یادتان باشد که این مزدوران هیچ وجدان، شرف و هدفی ندارند جز چاپلوسی. در دوران خلق و پرچم نیز اینان فقط راه چاپلوسی و موزه پاکی را در پیش گرفته بودند که با کمال تأسف بایدبگویم که مشکل بود تا از نوکران کرملین چیزی اضافه شده و به این بیچارگان درمانده برسد و بعد از آن نیز اینان راه، هدف و سیاست شان را هر روز طبق شکم شان طرح ریزی می کردند که یگ روز شاگرد حوزه علمیه قم بودند و روزی دیگر در صفوف برادران طالب شان، یک روز هوای مجاهد شدن به سر شان می زد و روزی دیگر کمونیست می شدند البته از نوع خلقی و پرچمی آن و حالا هم می بینیم که چگونه به برده بی اختیاری امپریالیستان هالندی تبدیل شده اند که جز اجرای مقاصدی شوم آنها دیگر چیزی ندارند).

کلام آخر:

این یک افتضاح ننگین است که امروزه این شهزادگان ما انقلاب رؤیائی افغانی خود را در قصرهای مجلل هالندی به پیروزی می رسانند ولی به یاد داشته باشند آن چیزهای را که این شهزاده ها در این انقلاب منقلب می سازند او انسانیت، شرافت، وطن دوستی و عزت خودی شان است نه استبداد فئودالیسم، نه مالکیت خصوصی بورژوازی و نه سلطه امپریالیسم.

خنده آور است که امروز این شهزادگانی که از زیر صندلی و پکه امپریالیستان پچ پچ کنان قروت کمونیسم می لیسند، آروغ پیزای هالندی را با انقلاب کردن در افغانستان شروع کرده و دست سوسیالیستان تخیلی را از پشت بسته می کنند.

این کورهای خود و بینا های دیگران باید بدانند که بی مقدار به امپریالیسم خدمت میکنند (شرافتاً با وجدان کمونیستی خود تأکید می کنم که آقایان شما مزدوری امپریالیسم را می کنید و به پای برزنجیران امپریالیسم تبدیل شده اید، آقایان شما از پشت جبهه کمپیوتر کلماتی که مملو از خیانت است، نثار مردم و به خصوص انقلابیون می کنید). با این نشخوار کردن فضولاتی که امپریالیسم پیچانده و در میان کلمات شکر آلود و بقچه هائی از دالر به خورد تان داده، بی محابا آب به آسیاب دشمن می ریزد.

ملی سرخک های عزیز (!) شما نه مبارزه ایدئولوژیک می کنید، نه در روشنگری اذهان سهیم هستید، نه تبادل افکار می کنید و.... نه از افغانستان و اوضاعش خبری دارید، نه شعله ئی هستید و خلاصه نه ته پیازید و نه سر پیاز. پس گور تان را گم کنید و زیاد دامن مبارزه را لکه دار نکنید چون این مبارزه نیست که شما می کنید آقایان سرخک نما؛ این چیز نیست که ما به آن "گوه خوری میگوئیم" و شما فعلاً دست از پانشناخته به آن مشغولید.

زند باد جنبش انقلابی افغانستان!

زند باد معتقدان به اندیشه مانوتسه دون در افغانستان!

نفرین و ننگ باد بر تفاله های خلق و پرچم!

(س.رها)